162

Wasīlatu'n-najāt,

(controversy, Shi'ite - Sunnite).

C.

وسيلة النجاة

162

Lucknow
20.II.27.

یا فتاح

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله حق حمده والصلوة والسلام علی حبیبه وحبیبه اللهم
یا مقلب القلوب ثبت قلوبنا علی دینک سبب تالیف
شخصی از آشنایان که بمذهب تشیع الفت داشت
استدعا نمود که چند کلمه در بیان دلایل حقیه فرقه ناجیه
باید نوشت بحکم الدین النصیحة اجابت آن مسئول کرده
آمد و این رساله را وسیلة النجاة نامیده شد والسلام
علی من اتبع الهدی در میان اهل سنت و شیعه
گفتگو بسیار واقع شده سنیان دعوی میکنند که مذهب ما
برحق است و موافق قران و حدیث است و کتابهای

شیعه

2

شیعه همه باطل و افترا است و مذهب اهلبیت نیست بلکه
مذهب اهلبیت همین است که میداریم و شیعه هم همین دعوی
میکنند که قران مذهب ماست و طریقه ما طریقه امام جعفر صادق
است و کتابهای سنیان را غیر معتبر میگویند در همه جواب
شافی از ایات قرانی که در ان جای دم زدن کسی نیست و
حجت منقطع کرده باید نوشت که طالبان راه نجات بان
عمل نمایند و از مذهب باطل دست بردارند ... ای برادر
اول بنای هر مذهبی را دریافت کن و کتابهای هر فرقه
را یکسو گذارده در طاق بنه و چون بر بنای هر یکی واقف
شوی ان بنا را بر ایات قرانی مطابق کن و بنای هر کدام
مذهب که محکم و راسخ ... را از مذهب حق دانسته کتابهای
انها را میخوان و عمل از بنای هر مذهبی که باطل یابی کتابهای
انها را وساوس شیطانی دانسته در اب انداز و گرد ان
مگرد و انها را پاره پاره کن و یقین دان که ان مذهب اهلبیت
نیست بلکه مذهب شیطان است پس بدانکه بنای مذهب اهلسنت

بر ایمان و تقوی و صلاح و راستی ابوبکر و عمر و عثمان و علی
و غیره مهاجرین و انصار و دیگر اصحاب سید المرسلین که
صلی الله علیه و سلم که هزار ها کس بودند و همراه ان حضرت
در راه خدا جهاد و نماز کردند و تا مدت حیات ان حضرت
همیشه در نصرت و حمایت او بودند و بعد وفات ان حضرت
در خلافت خود عدل و انصاف و راستی گزیدند و خدمت
اهلبیت و محبت انها بجا اوردند و امیر المومنین علی همیشه
با انها نشست و برخاست نمود و همراه انها با کفار جهاد
کرده و در پس انها نماز خوانده و همیشه با انها صحبت
داشته و بعد وفات انها در حق انها دعای خیر نموده و بسیار
مدح و مناقب انها بیان نموده و بنای مذهب شیعه بر کفر
و نفاق اورده بودند و هجرت هم برای ریاست و طمع
دنیا کرده بودند و همه جهاد و عبادت انها برای ریا بود
نه برای خدا و بعد وفات ان حضرت با اهل بیت او اذا
رسانیدند و مرتضی علی را یاری نکردند و حق او بزور گرفتند

بت و ایمان
طمع دنیا

الذی

3

وبتابعت ونماز علي همراه اينها بنا بر خوف وتقيه بود حتي كه
علي دختر طاهره خود را در نكاح عمر براي تقيه داد ونام
پسران خود ابوبكر علي وعمر علي وعثمان علي هم براي تقيه
نهاده اند وصحابه مخلصين اندك بودند ابوذر ومقداد وسلمان
وعمار وجابر وچندكس ديگر اي برادر چون بناي اين مذهب
دريافتي پس بدانكه دليل بر بناي مذهب اهل سنت آيات
قراني بسيار اند وهر يك ازان براي اثبات استحكام
ان بنا كافي است وبنا بر اختصار درين مقام چند آيات
نوشته مي شود قوله تعالى وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ
مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنصَارِ وَالَّذِينَ
اتَّبَعُوهُم بِإِحْسَانٍ رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ
وكساني كه پيشي اند از مهاجرين وانصار وانانكه پيروي ومتابعت
سابقين كردند به نيكوي يعني با ايمان وطاعت راضي شد
خدا از اينها وراضي شدند اينها از خدا وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ
تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ ومهيا كرد خدا براي اينها بهشت ها كه

جاري اند زير منازل باغ درختان ايشان نهرها خَالِدِين
فِيهَا أَبَدًا اين همه مهاجرين و انصار و متابعت كنندگان
ايشان در بهشت باشند هميشه اين آيت برملا ندا مي كند
كه مهاجرين و انصار سابقين همه بهشتي اند و متابعت كنندگان
ايشان كه بعد ايشان بودند و طريقه ايشان اختيار كردند ايشان هم بهشتي
اند و شك نيست كه ابو بكر صديق رض از مهاجرين اولين است
كه وقت هجرت همراه پيغمبر ع بودند و عمر و عثمان و علي و ساير
ديگر از مهاجرين اولين اند و هر كه ابو بكر را از مهاجرين اولين
ندانند بسبب الكار آيت غار كافر باشند قال الله تعالى
إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ
إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ
لَا تَحْزَنْ إِنَّ چون بيرون كردند رسول خدا را كفار مكه
در حاليكه دويم دو كس بود چون بودند هر دو در غار چون
رسول خدا صلي الله عليه و آله و اصحابه و سلم مر يار خود را كه ابو بكر
صديق رض است اند و هگين مشو بدرستيكه خدا با ماست و

معنا

متابعت کنندگان انها بواقعی مهاجرین و انصار اند که انها
ایمان اوردند و هجرت و نصرت کردند و حق تعالی درین ایت
خبر داد این همه همیشه در بهشت خواهند بود پس ثابت شد
که ایشان قطعی بهشتی اند هر که ایشان را بهشتی نداند بسبب
انکار این ایت کافر باشد اگر درین مقام شیطانی ترا باید
وترا وسوسه دهد که شاید مراد ازین ایه ان مهاجرین باشند
که شیعه در حق انها حسن ظن دارند که هجرت انها فی سبیل الله
بود و هجرت ابوبکر وغیره برای طمع دنیا بود از کو
که ای ابلیس دروغ میگوئی بلکه هجرت جمیع مهاجرین برای
خدا بود چنانچه در اینجا که اول بعد هجرت در باب قتال نازل
شده أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا
اذن و دستوری داده شد بجنگ کردن کفار حربی
را که می خواهند کارزار کردن را یعنی مهاجرین را بسبب انکه
انها از دست کفار ظلم کشیده بودند وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ
لَقَدِيرٌ و هر اینه خدا بر نصرت کردن انها قادر است

الَّذِيْنَ اُخْرِجُوْا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ اِلَّا اَنْ يَّقُوْلُوْا رَبُّنَا اللّٰهُ

انانکه بیرون کرده شدند از سراهای شان بغیر حق مگر انکه میگفتند انهاکه پرورد کار ما الله است یعنی از ایشان هیچ گناهی نشده که بسبب ان بیرون کرده شوند مگر فقط بسبب ایمان ایشان را بیرون کردند پس از ین ایت ثابت شد که هجرت جمیع مهاجرین خالصا الله بود نه برای طمع دنیا پس ثابت شد که همه مهاجرین رض مغفور اند ای برادر هر که ایمان به قران دارد چون بروی ثابت شد که خدای تعالی کسی را جنتی فرموده و گفت که انها در جنت بر سبیل ابد و دوام باشند تمام اعتراضات او در حق وی ساقط گشت چرا که حق تعالی عالم الغیب است و میداند که از فلان بنده در فلان وقت حسنه یا سیئه وقوع بظهور خواهد امد و با وجود ان اگر او را فرماید که این را جنتی نمودم در ضمن اخبار بمغفرت جمیع زلات وی متحقق گشت پس دیگر نا کسان را در حق انکس طعن و تشنیع نمودن

این

اعتراض بجناب الهی کردن است گویا که اعتراض کننده
میگوید که این بنده بدست خدا او را جراهشتی میکند
و ظاهر است که اعتراض کردن درین مقام کفر است و بنده
را که خدا بهشتی خوانده است البته وی بهشتی است اعتراض
کسی در حق وی ضرر ندارد او را دوزخی نمی کند لیکن اعتراض
کننده وی کافر است پس باین وجه تمام شبهات شیاطین
ساقط شد و احتیاج نماند که بجواب آن پرداخته شود اما
برای تسلی سایل رجم الشیاطین کرده شود پس اگر شیطان
بیاید و بدو وسوسه کند که در سوره انفال در قصه بدر نازل
شده يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا
زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ ترجمه آیت ای کسانیکه
ایمان آورده اند چون ملاقات کنند بکفار پس نگردید
از جنگ کفار قوله تعالی وَمَنْ يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ
إِلَّا مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ
از جنگ کفار مگر در حالیکه بر گردیده باشند برای جنگ یا بنیاد ازده

بسوی جماعت مومنین پس تحقیق رجوع کرد بخشمی از خدا و جای
او جهنم است و گویند که صحابه در جنگ احد و حنین گریخته اند
در جواب ادیگو در بدر که مقام نزول آیه است کسی نگریخته
بلک همه ثابت قدم ماندند چنانچه حق تعالی میفرماید و لقد
نصرکم الله ببدر ترجمه ایت بدرستیکه نصرت داد
شما را خدای تعالی در جنگ بدر و حالانکه شما خوار بودید در چشم
کفار بسبب قلت و در قصه بدر فرمود اذ یوحی ربك
الی الملئکة انی معکم ترجمه یادکن ای محمد
صلی الله علیه وسلم چون وحی میکرد پروردگار تو بسوی
فرشتگان که من با شما ام فثبتوا الذین امنوا
قوله تعالی ترجمه پس ثابت دارید مومنان را و ایت مذکوره بر کفر
دلالت ندارد بلکه بر انکه گریختن از جنگ کفار حرام است و حق
الله است اگر خواهد بخشید و اگر خواهد عذاب کند و لهذا چون در جنگ
[illegible] قرار واقع شد حق تعالی از ان عفو فرمود قوله تعالی
و لقد عفی الله عنهم پس اعتراض ساقط شد و در روز حنین اولا قرار

نمودند تا با جون عباس رضی الله عنه از او با عباد الله بندا رسول الله
بندائي او در آمدند و جنگ عظيم نمودند و توبه متحقق گشت و از آنکه
ايشان ياران دين خدا بودند حق تعالي بموجب وعده خود
قوله تعالی لَيَنْصُرَنَّ اللّٰهُ مَنْ يَنْصُرُهُ
نصرت ايشان كرد و مدد غيبي از ملايكه براي ايشان فرستاد
و بشارت بنزول سكينه كه خاصه مومنين كامل الايمان است
درباره ايشان نازل فرمود چنانچه مي فرمايد قوله تعالی
لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ ترجمه بدرستيكه
نصرت داد شما را خداي تعالي در غزوه هاي بسيار و حنين
و مي فرمايد قوله تعالی ثُمَّ اَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِينَتَهُ عَلٰى رَسُولِهِ
وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ ترجمه پس نازل فرمود خدا سكينه
و آرام خود را بر پيغمبر خود صلي الله عليه و سلم و بر مومنان كه
بندای عباس باز گشتند و از تدارك مافات كرده
قتال شديد نمودند قوله تعالی وَاَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا
ترجمه و فرستاد لشكرهاي ملايكه كه شما اي صحابه بچشم خود نديد

يَوْمَ حُنَيْنٍ

اینها را و قوله تعالی وَعَذَّبَ الَّذِینَ کَفَرُوا ترجمه و عذاب کرد
و شکست داد کفار را الهی عزیز تأمل فرما که یکه اتفاق رحمت
الهی و رحمت بگیر حال اینها باشد هرگاه که بمقتضای لترتیب یلعزند
فرشتگان برای امداد اینها آمدند و سکینه الهی در باره اینها
نزول یابد کار مسلمانان باشد که تمام آیات رحمت و سعوبت
را فراموش کنند و اینها را هدف مطاعن بسازند و نعوذ بالله من
خبث الباطن و شر شیطان و شرکت باز اگر شیطانی بیاید
و شرا وسوسه کند که شاید اینها منافق باشند که در آن وقت
منافقان هم بودند چنانچه در قرآن مجید ذکر منافقان هم بسیار
آمده در جواب بگو که آری منافقان بودند لیکن منافقان
از اعراب بودند یعنی دهقانان که مساکن اینها گرد مدینه بود
یا بعضی از ساکنان مدینه بودند اما که یعنی مهاجرین و در انصار
که ایمان و نصرت شان منصوص است کسی منافق نبود چنانچه
می فرماید قوله تعالی وَمِمَّنْ حَوْلَکُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ ترجمه
و بعضی از آنکه در گرد شما می باشند ای اهل مدینه از

بادیه

1

بادیه نشینان منافقان اند قوله تعالی وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ

مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ

ترجمه وبعضی از اهل مدینه خالی شدند از نیکی در حالیکه خو کرده اند

بر نفاق نمیدانی تو ای محمد صلی الله علیه وسلم انها را ما که عالم الغیب

هستیم میدانیم انها را بعد از ان حق تعالی انها را هم ممتاز ساخت

چنانچه میفرماید قوله تعالی مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ

عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ

الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ ترجمه ونیست در نه

سزد خدای تعالی را که بگذارد مومنان را بر حالتیکه شما هستید

بر ان یعنی مختلط کنند مومن ومنافق تا که تمیز دهد وجدا کند پلید را

از پاک یعنی منافقان را از مومنان پس حق تعالی تمیز داد و

وان حضرت را از حال انها مطلع گردانید وان حضرت صلعم

بحذیفة بن الیمان رضی الله عنه که صحابی است اظهار فرمود برای

فضیحت در رسوای ایشان نه که مومنین مخلص [illegible]

ظاهر نکرد واگرچه بسیاری از منافقان بسبب علامات نفاق

هم شدند و همه کس اینها را دید یافتند لیکن حق سبحانه تعالی او جهی

قبایح در قران پاره فرموده و در حق اینها وعید شدید بیان

نموده بوجهی احسن ظاهر شد در صحابه که اهل سنت در حق اینها

حسن اعتقاد دارند کسی منافق نبود چنانچه حق تعالی در حق منافقان

می فرماید قوله تعالی فَاِنْ یَتُوبُوا یَكُ خَیْرًا لَّهُمْ

ترجمه پس اگر توبه کنند منافقان از نفاق خود باشد بهتر مرایشان

را قوله تعالی فَاِنْ یَتَوَلَّوا یُعَذِّبْهُمُ اللّٰهُ عَذَابًا اَلِیْمًا

فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ ترجمه و اگر

رو گردانید از توبه و بر نفاق خود ثابت باشند عذاب کند

خدا اینها را عذاب سخت در دنیا و آخرت قوله تعالی

وَمَا لَهُمْ فِی الْاَرْضِ مِنْ وَّلِیٍّ وَّلَا نَصِیْرٍ

ترجمه و نباشد ایشانرا در زمین هیچ یاری و نه مددگاری یعنی

در زمین کسی یاری اینها نکند و حق تعالی در حق مهاجرین برخلاف

این قبایح اوصاف حمیده می فرماید و وعده نصرت میدهد

چنانچه در آیت سابق در باب اذن قتال در حق مهاجرین

خواهیم

8

خواندم لفظ قوله تعالى وَاِنَّ اللّٰهَ عَلٰى نَصْرِهِمْ لَقَدِيْرٌ

ترجمه بتحقیق خدا بر یاری کردن مهاجرین قادرست یعنی

انها را یاری خواهد داد و هم درین ایت ذکر همین مهاجرین

میفرماید قوله تعالی وَيَنْصُرَنَّ اللّٰهُ مَنْ يَنْصُرُهٗ

ترجمه واللّٰه یاری خواهد داد خدای تعالی کسی را که دین او را

یاری دهد و شک نیست که حق سبحانه تعالی جمیع صحابه را که بعد

ان حضرت صلعم باقی ماندند خصوصاً خلفای راشدین را یاری

داد که هزارها مرتدان و مشرکان را کشتند و ملک کسری و

قیصر را بر هم زدند و خلفای راشدین را تمام صحابه یاری کردند

پس معلوم شد که خلفای ثلثه از مهاجرین فی سبیل الله اند که

حق تعالی وعده نصرت که بمهاجرین داده بودند در حق ایشان

بوجه اتم راست کرد و معلوم شد که بواقعی اصحاب نیز ناصران

دین خدا بودند و اگر منافق بودندی کسی طاقت انها هم میکرد

و در زمین کسی یار و نصر انها نبودی و نیز ظاهر شد که انچه

منکرین قران بگویند که علی رضه بعد ان حضرت طلب خلافت نمود

وخانه بخانه مهاجرین وانصار برای قایم کردن حجت میگشت وکسی
از انها یاری او نکرد وحمایت او نه نمود این سخن ایشان کفر صریح و
کذب جلی وانکار این ایت است چه حق تعالی درین ایت وعده نصرت
بمهاجرین کرده وشک نیست که امیر المومنین علی رض از رئیس مهاجرین
اهل است ومحال است که او را کسی یاری نکردی پس ثابت شد
کسانیکه این سخن بجناب پاک مرتضوی نسبت می کنند دشمن
انجناب اند که ایت منافقان در حق او میخوانند ومیگویند
قوله تعالی وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ
ثابت شد که دوستان انجناب اهل سنت اند که او را نسبت
نفاق نمیکنند بلکه میگویند که اگر انجناب را هم طلب خلافت
برخلاف مشیت واراده ان دوستی وار پیمبر صلی الله علیه وسلم بودی
درحق خود شنیدی البته تصرف او نافذ گشتی وهمه برای یاری
او برخاستندی چنانچه وعده حق درباب مهاجرین ورود یافته
پس معلوم شد که انجناب خلافت صدیق رض برحق دانسته بیعت
نمود وهمیشه یار ومعین ایشان بوده والحمد لله علی نعمائه باید شنو که حق تعالی

در قصه

9

در صفت منافقان چه می فرماید قوله تعالی لئن لم ینته
المنافقون والذین فی قلوبهم
مرض والمرجفون فی المدینة لنغرینک
بهم ثم لا یجاورونک فیها الا قلیلا ملعونین
ترجمه به اینه البته اگر باز نیایند منافقان از نفاق خود واگر باز نیایند
کسانیکه خبر بد می افکنند در مدینه از غیبت لشکر اسلام می فرماید اگر
باز نیایند و توبه نکنند این هر سه گروه البته بجنبانم و مسلط
گردانم ترا ای محمد صلی الله علیه وسلم بر ایشان پس همسایه
تو نباشند در مدینه اندک زمانه یعنی زود از شهر مدینه بیرون
روند خوار و راندگان قال الله تعالی اینما ثقفوا اخذوا
وقتلوا تقتیلا ترجمه هر کجا که یافته شوند گرفته شوند
و کشته شوند شدنی بسیار ازین آیت ثابت شد که اینکه
توبه از نفاق نکردند در مدینه از ایشان کسی نماید و ایشان خراب شدند
و هلاک شدند و کشته شدند پس معلوم شد که تمام صحابه که بعد از
حضرت در مدینه باقی ماندند همه ناصران دین حق و خدا پرست

اگر در دل ایشان ایمان ... همان ضعف ایمان
و مانند ایشان ... ماندند

مکر

واصحاب خلص بودند پس از انچه ایشان بران اجتماع و اتفاق

کردند علی حق و بدایت باشند نه ظلم و ضلالت چون تنها حت

منافقان شنیدی وصف مهاجرین هم بر عکس این بشنو

قَالَ اللّٰهُ تَعَالَى وَ الَّذِيْنَ هَاجَرُوْا فِي اللّٰهِ مِنْ

بَعْدِ مَا ظُلِمُوْا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

ترجمه وکسانیکه هجرت کردند در راه خدا از پس انکه ظلم کرده بودند

بر ایشان کفار مکه البته جا دهیم ایشان را در بلده نیکو یعنی

مدینه مطهره قوله تعالی وَ لَاَجْرُ الْاٰخِرَةِ اَكْبَرُ

ترجمه و بر اینه ثواب اخرت بزرگتر است یعنی برای ایشان

اگر کسی تقوای ایمان داشته باشد همین یک ایت او را برای

دفع تمام وساوس شیطانی کافیست چه حق سبحانه تعالی

درین ایت در حق مهاجرین فی سبیل الله دو وعده کرده

یکی در دنیا و دویم در اخرت و شک نیست که وعده دنیا بوفا

رسید و همه مهاجرین در مدینه جا گرفتند خصوصًا خلفای ثلثه که هم

در حیات خود همانجا بودند بعد وفات همانجا مدفون گشتند

بشنو

15

شیخین بمرقد منوره رسالت پناه صلی الله علیه وسلم بپیوستند
وعثمان در بقیع رونق افزا گردید واگر معاذ الله منافق بودندی
بحکم ایت سابقه که در ذکر منافقین خواندم حق تعالی رسول خدا ۴
را بر انها مسلط کردی وانها زود از مدینه بیرون شدندی
وگرفته شدندی وکشته شدندی بخواری ورسوای وکسی شخص
سخن انها هم نمی شنید چه جای امانت و خلافت پس کالشمس فی
نصف النهار واضح ولایح شد که انها مهاجرین فی سبیل الله و
قطعی بهشتی اند وروز اخرت اجر وثواب انها بحکم وعده قدیم
بزرگتر خواهد بود وهمچنین دیگر صحابه انحضرت صلی الله علیه واله وسلم
که بعد وفات وی در مدینه باقی ماندند همه ناصران دین خدا بودند
وکامل الایمان ونفاق را بحکم ایت قرانی گرد انها راه نبود پس هرچه
انها بعد ان حضرت ۴ بران جز اتفاق واجماع کردند عین هدایت وثواب
باشد وکار مسلمان نیست که با اینهمه تصریحات قرانی بر کسی از انها اعتراض
کند ومعهذا باز اگر شیطانی نماید ووسوسه کند که شاید از انها بعد تتمه
علیه السلام بوقت احتضار وغلبه حزنی خلافت شریف بظهور امده باشد

اضمار ۱۲ ۲

که بسبب ان شیعه در شبه افتاده اند در جواب او بگو که دروغ میگوی
بلکه هرچه ایشان در ایام خلافت و قدرت خود کرده اند برای
اجرای احکام شرع و از باب امر معروف و نهی منکر کرده اند نه بنا بر
تعصب و فساد چنانچه حق تعالی در وصف مهاجرین در آیت
سابق که در باب اذن قتال خوانده ام می فرماید قال الله
تعالی الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا
الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ
وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ

ترجمه یعنی حال وصف مهاجرین اینست که اگر تمکین و قدرت دهیم
ایشان را در زمین برپا دارند نماز را و بدهند زکوت را و امر کنند
دیگران را به احکام شرعی و نهی فرمایند از منکرات و خلاف
شریعت پس محالست که از مهاجرین در وقت اقتدار و تمکین
ظلم و فساد بظهور آید پس نسبت کردن ظلم بر ایشان انکار این
آیت باشد نعوذ بالله منه و اگر کسی وسوسه کند که در قران وارد
شده قال الله تعالی یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا
من

مَن يَرتَدَّ مِنكُم عَن دِينِهِ فَسَوفَ يَاتِي

اللهُ بِقَومٍ يُحِبُّهُم وَيُحِبُّونَهُ اَذِلَّةٍ عَلَى المُؤمِنِينَ اَعِزَّةٍ عَلَى الكَافِرِينَ

ترجمه ای کسانیکه ایمان آورده اند بیکه برگردد و مرتد شود

از شما از دین خود پس زود باشد که بیارد خدای تعالی

یعنی قایم کند برای قتال مرتدان قومی را که دوست میدارند

ایشان را و ایشان دوست میدارند خدا را فروتنان بر مومنان

غلبه کنندگان بر کافران قوله تعالی یُجَاهِدُونَ

فِي سَبِيلِ اللهِ وَلَا يَخَافُونَ لَومَةَ لَائِمٍ

ترجمه که جهاد خواهند کرد القوم بمرتدان در راه خدا و نخواهند

ترسید از ملامت هیچ ملامت کننده و گوید که این آیت

به معنی دارد در جواب او بگو که درین آیت کمال مناقب

صدیق اکبر و غیره اصحاب رسول الله است صلی الله علیه

واله وسلم که ایشان مسیلمه کذاب را در خلافت صدیق اکبر

بکشتند و دیگر فرقه های اعراب که تفصیل ایشان طول دارد

و مرتد شده بودند و انکار زکوة میکردند بهمه ایشان جهاد

کردند وانها را به تیغ کشتند و بسیاری از انها باز
اسلام اوردند و ازین ایت تهمت ارتداد از اصحاب
بوجهی باطل شد که فوق ان متصور نیست چه اگر کسی از
صحابه مرتد بودی معاذ الله ویکر مومنان کامل الایمان
با انها جهاد کردندی وانها را کشتندی و شک نیست
که بخلفای ثلثه نه کسی بزین کامل الایمان با انها جهاد نکرد
بلکه عمار و ابوذر هم مومنان کامل الایمان متابعت
وموافقت انها کردند پس واضح گشت که انها مومنان
کامل الایمان و قطعی جنتی و از مهاجرین فی سبیل الله اند
که در وصف انها ایات لاتحصی وارد شده قال الله
تعالی وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
صفت ثابت وظاهر شد که تمام مهاجرین و انصار
بر عین حق وکمال ایمان و هدایت بودند و اجتماع و اتفاق
شان موضع و مقبول الهی است پس کسی را بر انها

12

طعن و تشنیع نمودن جایز نباشد بلکه شب و روز
دعای مغفرت در حق ایشان خواندن وظیفه مسلمانان
است و هر که طعن و تشنیع کند و در حق ایشان دعای خیر
نکند و با ایشان کینه دارد کافر است و از جماعه مسلمین
خارج چنانچه حق تعالی مسلمانان را در قران سه
قسم تقسیم ساخته قوله تعالی لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ
وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا
ترجمه و مال فئ برای فقراست که هجرت کننده کان
اند انانکه بیرون کرده شده اند از خانه ها و اموال
شان در حالیکه طلب میکردند فضل خدا و امداد و
رضامندی او را و نصرت میکردند دین خدا و رسول
او را یعنی هجرت ایشان برای خدا و رسول او صلی
الله علیه وسلم و برای نصرت دین خدا بوده برای
اغراض دنیوی قال الله تعالی أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ

وَيَنصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

الصَّادِقُونَ آن گروه ایشانند
راست یاران هم در اقوال و هم در افعال قسم
دوم قوله تعالی وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ
وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ ترجمه و مال فی برای کسانیکه
است که جا گرفتند در سرای هجرت و خانه ایمان یعنی بدینه
مطهره پیش از هجرت مهاجرین قوله تعالی یُحِبُّونَ
مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ ترجمه دوست میدارند کسی را
که هجرت کند بطرف ایشان یعنی مهاجرین محبت دارند
قوله تعالی وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ
حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا ترجمه و نمی یابند انصار حسدی
و دغدغه در سینه های خود از انچه عطا داده شود بایشان
یعنی انچه رسول کریم صلی الله علیه وسلم بایشان عطا
فرمایند بان راضی می شوند و قبول میکنند قوله
تعالی وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ
ترجمه و ایثار میکنند و مقدم میدارند انصار مهاجرین را

بر نفسهای خود و اگرچه هست برایشان حاجت یعنی
اگرچه انصار هم حاجت بمال دارند اما به سبب علو همت
میخواهند که حاجات مهاجران روا گردد و تمام اموال
برایشان قسمت یابد قوله تعالی وَمَن یُوقَ شُحَّ
نَفسِهِ فَاُولٰئِکَ هُمُ المُفلِحُون ترجمه و هر که نگاه داشته شود از
بخل نفس او پس آن گروه ایشانند فلاح یافتگان
ای حریصان حق سبحانه تعالی انصار را در سه صفت
محبت مهاجرین و خدمت آن بزرگواران ستایش نموده
و همین سبب فلاح را وابسته ایشان فرموده پس هر
را که نجات مغفرت و فلاح خود چشم منظور باشد
مانند انصار محبت مهاجرین را شیوه خود سازد و از
کینه و عداوت و طعن و تشنیع اینها دور بوده شب و روز
دعای مغفرت در حق اینها خوانده تا در زمره قسم سوم
محشور شود چنانچه می فرماید قوله تعالی وَالَّذِینَ
جَاءُو مِن بَعدِهِم یَقُولُون ترجمه و می برای کسانیکه

ست که امدند بعد مهاجرین والصار میگویند قوله تعالی
ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقونا بالایمان
ترجمه ای پروردگار ما بیامرز ما را و برادران ما را که سبقت
کردند از ما بایمان قوله تعالی و لا تجعل فی قلوبنا
ترجمه و مگردان در دلهای ما کینه و عداوت برای آنکه
ایمان آوردند یعنی در حق صحابه دعای خیر میکنند و میگویند
که حق تعالی دلهای ما را از کینه صحابه پاک ساز قوله
ربنا انک رءوف الرحیم ترجمه ای پروردگار ما بدرستیکه
مهربان و رحمت کننده هستی بر ما و دعای ما یان را جابت
فرما از این آیت ثابت شد که در حق صحابه دعای خیر
باید نمود و کینه را یکسو باید نهاد و بهیچ وجه زبان درازی
نباید کرد تا در زمره اهل اسلام محشور گردد و گرنه از
زمره مسلمانان خارج می شود نعوذ بالله من عذاب
الله این است بنای مذهب اهل سنت و جماعت و بحمد الله
سبحانه این بنا بغایت راسخ است که اگر تمام جن و انس

رحمه

۱۷

جمع شده خواهند که این بنا را بر کنند و خس دهند
نتوانند کرد چه جنس این بنا الله متصور کرده که
چنانچه اهل سنت بر ایمان مهاجران و انصار و غیره
صحابه بسید ابرار آیات بینات و نصوص محکمات
قایم کرده اند و شاوس شیاطین را بوجهی دفع کرده اند
که تنها غیر منشور اکشت و اثری ازان نماند مخالفان
هم اگر در دعوی خود صادق اند بهمین نمط آیات
محکمات را که تاویل را بان راه نبود بر کفر و نفاق
جمع مهاجرین و انصار قایم کنند الا بحث و گفتگوی
کتابی و سوال و جواب علمی بکار برند و گرنه غیبت
زبان درازی کردن آیات و نصوص را انکار نموده
برای خود آتش دوزخ خریده از قسم سیوم مسلمانان
خارج می شوند و خود معلوم است که در قرآن پاک آیات
هم بر کفر و نفاق مهاجران و انصار موجود نیست و چگونه
اینمعنی صورت بندد کسانی را که حق تعالی جابجا مدح

صلوة
وسنائب بیان نموده باشد ہوایمان و تقوی و جہاد و
وغیره اعمال صالحات ایشان دیگر که باشد حق تعالی
و کلا وعد الله الحسنی بوده باشد و
شهادت تخلود جنت دین را ب نعیم مقیم داده
باشد پس چه طور ایشان را کافر و منافق گوید معاذ الله
من الکفر والنفاق پس ظاهر شد که بنای مذهب
منافقین بر آیات قرآنی نیست بلکه بقصه های تواریخ
ذو انیات عقلی است و قرآن تکذیب و مبطل آن
قصه ها و مطمس آن خیالات شنیع است پس معلوم
شد که مذهب ایشان مذهب اهل بیت نیست چراکه
مذهب اهل بیت خلاف قرآن نباشد و معلوم
شد که مذهب اهل بیت همین مذهب اهل سنت
است که موافق قرآن است واگر هنوز هم ترا وسوسه
باقی ماند بشنو چه امام زین العابدین علی بن الحسین
علیه السلام و علی آبائه الکرام در صحیفه کامله که نزد

شیعه هم

۱۸

شیعه معتبر و معمول است چه می فرمایند من زین
العابدین علیه السلام اللهم و اتباع الرسل و
مصدقوهم من اهل الارض بالغیب عند
معارضة المعاندین لهم بالتکذیب و الاشتیاق
الی المرسلین بحقایق الایمان
فی کل دهر و زمان ارسلت فیه رسولا
و اقمت لاهله دلیلا من لدن آدم الی
محمد صلی الله علیه و سلم من ائمة
الهدی و قادة اهل التقوی علی
جمیعهم السلام فاذکرهم منک بمغفرة و رضوان
حاصل این عبارت انکه خدایا اصحاب جمیع پیغمبران
راکه در وقت تکذیب کفار تصدیق انبیا نمودند
و ایمان به انبیا آوردند یاد کن بمغفرت و رضوان
و چون اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر اصحاب
جمیع پیغمبران فضیلت دارند چنانچه آن حضرت

صلی الله علیه واله وسلم سید المرسلین است اصحاب
او ستاد اند اصحاب جمیع پیغامبران اند در حق
اتحاد غای تخصیص می فرمایند قوله اللّٰهمّ واصحاب
محمد صلی الله علیه وآله وسلم خاصة ترجمه خدایا
علی الخصوص اصحاب محمد را صلی الله علیه واله وسلم
نوازش فرما و با مغفرت و رضوان مما لوعین از زمین
در مقام مدح صحابه اند می فرمایند قوله والذین
احسنوا الصحبة ترجمه انانکه نیک کردند
صحبت پیغامبران را در حق صحبت آورده ند الصفا
والذین اتوا البلاء الحسنی فی النصرة ترجمه
وانانکه دادند عطای نیک را در نصرت آن حضرت
صلی الله علیه وآله وسلم وله وکانفوه ترجمه و در میان
خود گرفتند و از شر اعدا محافظت نمودند آن
حضرت صلی الله علیه واله وسلم را وله واسرعوا
الی وفادته ترجمه و زود دعوت او را

قوله

قبول نمودند و لم و استجابوا له حیث
استمعوا منهم حجت رسالته ترجمه و اجابت کردند
وقبول نمودند چون شنوانیدایشان را حجت
رسالت خود که قران است و لم و فارقوا الا
زواج و الاولاد فی اظهار کلمته وکذا الشد
زنان وپسران خود را در ظاهر کردن کلمه ودین
آن حضرت صلی الله علیه واله وسلم یعنی بهجرت
شان برای خدا وبرای اظهار کردن کلمه اسلام
بود نه برای طمع دنیا وغیره وقاتلوا الاباء والا
بناء فی مثبت نبوته وانتصروا به
ترجمه وجنگ وجدل کردند با پدران وپسران خود
در محکم ساختن نبوت او وغالب امدند برکفار
بسبب نصرت ان حضرت ۲ و در خدمت او
هرکرا دین وعقل باشد بروی مخفی نخواهد ماند که این
همه اوصاف جمیع صحابه اند از مهاجرین وانصار چه

همه را حمایت و نصرت کرده اند و به پدران و برادران
خود جنگیده اسلام را قوی ساخته اند و در هر معرکه
و غزوات حاضر بودند و نصرت بر اعدای دین
حاصل نموده اند و فقط چند کس جابر و اله و در ۲
و غیره تمام جنگها را فتح نکرده اند و تمام کفار را شکسته
غلبه حاصل نه نموده اند بلکه در غزوه بدر سه صد
و سیزده کس و در احد هزار کس و در حنین دوازده
هزار و در تبوک سی هزار و همچنین در اکثر غزوات
هزارها صحابه بر سر می بودند و همه اهل النصرت و حمایت
میکردند و همه را غلبه و قوت دست میداد و پس
ثابت شد که مذهب امام زین العابدین ع این همه
مغفور و بهشتی و لایق مدح و ثنا هستند پس بنای
مذهب مخالفین که صحابه را رد و چندین حصر میکنند
از هیچ بیرکنند نشد و ظاهر شد که این قول اهل مذهب
نیست بلکه وسوسه شیطان است که از آن پناه

بخدا

بخدای باید صحبت الصادق وَمَنْ كَانُوا مُنْطَوِينَ
عَلَى مَحَبَّتِهِ ترجمه وآنانکه بودند پیچیده بر محبت آن سرور
یعنی عاشق جمال او بودند الفائزون تِجَارَةً
لَنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ ترجمه امیدوار بودند
سودای را که زیان ندارد یعنی همه اصحاب آن
حضرت ص دوستی آن حضرت ص را برای آخرت
اختیار کرده بودند و این دوستی ایشان نزد الله
سودمند خواهد بود نه موجب خسارت وَالَّذِ
يْنَ هَجَرُوهُمُ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ
ترجمه وآنانکه بگذاشتند و ترک کردند ایشان را قبیله
های ایشان چون دست زدند بحلقه هدایت آن سرور
الصادق انْتَفَتْ مِنْهُمُ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَلَكُوا
فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ ترجمه و نیست
و نابود شد از ایشان رشته های قرابت چون
ساکن شدند در سایه قرابت آن حضرت ص

یعنی چون صحابه بآن حضرت صلی الله علیه واله وسلم
ایمان آوردند و بخدمت وی کمر بستند تمام کفار
برای عداوت آنها برخاستند و رشته های قرابت
قطع کردند الصا فَلَا تَنْسَهُمُ اللّٰهُمَّ مَا تَرَ
كُوا لَكَ وَ فِيكَ ترجمه پس فراموش مکن
در حق صحابه خدایا انچه ترک کردند برائی تو و در راه تو یعنی
جزائی هجرت و نصرت ایشان عنایت فرما الصا
وَ أَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ ترجمه و خوشنود ساز
و راضی کن ایشان را از رضوان و خوشنودی خود
وَ لَهُ وَ بِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ عَلَيْكَ ترجمه علیک و جزا
ده ایشان را بسبب انکه جمع کردند خلق را بر تو وَ لَهُ
وَ كَانُوا مَعَ رَسُولِكَ دُعَاةً لَكَ وَ إِلَيْكَ ترجمه
و بودند ایشان همراه رسول تو صلی الله علیه واله وسلم
خوانندگان خالصا برای تو و بطرف تو یعنی چنانچه
خود از صحبت آنحضرت م کامل شده بودند الصا

دیکر

18

دیگران هم بطرف خدا میخواندند و بسیار کسان

را جمع کردند بر دین اسلام یعنی هزاران مرد و زن

بسعی ایشانها در حلقه اسلام آمدند اگر کسی طالب راه

قرآن در راه اهل بیت خواهد بود درین مقام تأمل

نموده بالفور توبه از وسوسه شیطان نموده براه

قرآن خواهد آمد چه جمع کنندگان خلق بر دین اسلام

همه صحابه بودند هم در حیات آن حضرت و هم

بعد وفات آنحضرت چه نه آنکه صرف ابو ذر و عمار

با چند کس دیگر در تمام بلاد در کفر میکردند و تمام خلق خدا

را تعلیم وارشاد می کردند کسی احمق هم این سخن نگوید

چه جای کسیکه دعوی علم قرآن داشته باشد قوله تعالی

شَكَّدْ بِهِمْ عَلَى بَحْرِهِمْ فَتَنْكَ دِيَارُ ..... قَوْمِهِمْ ترجمه

و خراده ایشان را بر هجرت کردن ایشان در

راه تو شهرهای قوم خود را الصادق بحذف جهم من

سمعت المعانق الى صقله ترجمه

جزاده بر بیرون شدن شان از فراخی معاش
خود و لسعوی نیکی آن یعنی هجرت از خانه های خود و
بمیش خود کناره گزیدند و در دیار غربت و در تنگی
عیش افتادند الصلوة ومن كثرت في اعزاز
دينك من مظلوميهم ترجمه و احسان بکن ان
کسی نیکه بسیار کردی نو تو و آنها مطیعان خود را و ر
عزیز ساختن دین او از مظلومان صحابه یعنی مهاجرین
اول مظلوم بودند بعد ازان که هجرت کردند و
جهاد واقع شد دین به سبب آنها غالب گشت
و بسیار مردمان مسلمانان شدند ایضا اللهم
واوصل الى التابعين لهم باحسان الذين
يقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين
ترجمه خدایا و برسایان به بیرون صحابه که به نیکی
پیروی آنها کردند آنها اختیار نمودند بهترین جزاء
توان تابعین میگویند خدایا بیامرز مارا و برادران

ما را که سبقت کردند با یمان یعنی در حق صحابه دعای
خیر و مغفرت می کنند. این کلام امام ع اشارت
است بآنکه قسم سوم از مسلمانان همان کسان اند
که در حق صحابه دعای خیر میکنند پس ثابت شد که
موافق قران و موافق مذهب اهل بیت جماعت
تابعان صحابه اند که در حق ایشان دعای خیر میکنند و کنه
یکی از ایشان ندارند و دعای حضرت سجاد علیه
السلام در باره مغفرت ایشان است پس ایشان
مغفور و فرقه ناجیه اند نه مخالفان ایشان باز
بشنو که امام ع در مدح تابعین چه میفرمایند الصا
اَلَّذِینَ قَصَدُوا سَمْتَهُم
ترجمه آن تابعین که قصد کردند جهت راه صحابه را
الصا وَتَحَرَّوْا وِجْهَتَهُمْ ترجمه و قصد
نجات ایشان کرده و دیده و دل بسته برداشان
رفتند الصا وَمَضَوْا عَلَىٰ شَاكِلَتِهِمْ ترجمه

ورفتند بر طریقه ومذهب صحابه قوله و لم تنثنهم

ریب فی بصیرتهم ترجمه باز گردانید ان تابعین را

شکی در بصیرت صحابه یعنی شک نکردند در انکه

صحابه بر هدایت اند و بر بصیرت و روشنای القال

و لم تختلجهم شک فی قفو اثارهم

ترجمه خلجان نکرد و تخلید ایشان را شکی در متابعت

و پیروی اثار صحابه یعنی اثار صحابه را و بر حق دانسته

متابعت انها کردند و در حق بودن شک نیاوردند

و الایتمام بهدایت منارهم

ترجمه و شک نکردند در اقتدا کردن بهدایت روشنای

صحابه یعنی صحابه را بر هدایت دانسته اقتدای انها

نمودند قوله مکانفین و موازرین لهم

ترجمه ان تابعین حمایت کنندگان و اعانت کنندگان

صحابه اند یعنی اگر کسی ملحد یا گمراه بجناب پاک صحابه

طعن کند انرا تابعین بجواب شافی او را دور کنند و

رجم نمایند ازین لفظ تمام وساوس شیطانی
که مخالفان بر صحابه تهمت می کنند باطل شد و
معلوم شد که طعن در حق ایشان کار مسلمانان
نیست بلکه شیوه اهل اسلام جواب در طعنه
های صحابه است و شک نیست که این وخلف
شیوای اهل سنت در هیچ فرقه یافته نمی شود
بلکه روافض هزارها طعن بگمان فاسد خود
بجناب آن پاکان نسبت می کنند و همچنین خوارج
خذلهم الله بس معلوم شد که فرقه ناجیه اهل سنت
اند نه مخالفان شان هو المطلوب القایل یثنون
ترجمه
بل یثنیهم
اعتقاد و میدارند آن تابعین به دین صحابه وله ویشهدون
بهدیهم ترجمه و راه میروند براه صحابه وله ویتفقون
علیه ترجمه اتفاق دارند بر صحابه
یعنی بر حمایت و نصرت صحابه متفق اند هر که

بی دین شیطان وار آمده بر صحابه شنعه انداز
اور احوال سید بند وبیرانند وَلِکُلِّ قَوْمٍ لَا یُتَّهَمُونَ بِهِمْ
فِیمَا أَوْ دَا الَیْهِمْ ترجمه وتهمت نمی
کنند ورصحابه را در خبریکه اداکردند ورسانیدند
از احکام دین واحادیث پیغامبر صلی الله علیه
واله وسلم بدیشان یعنی صحابه را صادق دانسته
تمام روایات احادیث از ایشان قبول کرده
بران عمل میکنند پس ثابت شد احادیث
کتابهای اهل سنت که از اهل بیت وصحابه مرویست
همه معتبر ومقبول است ومذهب حضرت امام
زین العابدین است ظاهر شد که روایات
شیعه وخوارج که از صحابه مروی نیستند نزد امام
زین العابدین کذب افترا است واگر در بعضی
روایات شیعه نسبت به بعضی اهل بیت یا بعضی
صحابه کنند چون آن روایات مخالف قرآن

دی نو

21

ومخالف مذهب حضرت زین العابدین ع ابر آید
ظاهر شود که نه آن قول اهل بیت است ونه قول
صحابه بلکه کدام مفتری وکذاب برایشان ظاهرا
افترا کرده باشد پس بقول امام زین العابدین
تمام روایات وکتب شیعه باطل وافترا
اهل اسلام ومحبان قران واهل بیت را از آن
کناره کرفتن فرض عین است ای مومن طالب
نجات آنچه مذکور شد از کلام الهی وکلمات
حضرت سیدها اگر کسی طالب راه جنت باشد
یک کلمه از آنها در حق او کفایت است واگر سعادت
ازلی نصیب او نشد وبحکم ختم الله علی قلوبهم بر کفر
خود ثابت ماند او بسبب انکار قران برای خود دوزخ
خرید کرد او را بحث کردن در طریقه مسلمانان چه
سود خواهد داد والله الهادی علی نمت تا بحر و
المکارمه اعتمادی سبحان ربک رب العزت

عما یصفون و سلام علی المرسلین والحمد لله

رب العالمین تمت بالخیر والحمد لله رساله

مسمی بوسیله النجات بروز چهارشنبه بیست و ششم

جمادی الثانی سنه ۱۲۴۶ بر اتمام رسید بر خاطر میان محمد

تحریر یافت

